

### متن پرسش

سلام استاد: جسارتا به شبهه زیر جوابی قانع کننده بدهید. با توجه به قسمتی از سخنرانی امام خمینی (ره) در بهشت زهرا در روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷: «اصل رژیم سلطنتی از اول خلاف قانون و خلاف قواعد عقلي است و خلاف حقوق بشر است. براي اينکه ما فرض مي‌کنيم که يك ملتي تمامشان راي داند که يك نفری سلطان باشد، بسيار خوب، اينها از باب اينکه مسلط بر سرنوشت خودشان هستند و مختار به سرنوشت خودشان هستند، راي آنها براي آنها قابل است؛ لکن اگر چنانچه يك ملتي راي دادند (ولو تمامشان) به اينکه اعقاب اين سلطان هم سلطان باشد، اين به چه حقي ملت پنجاه سال از اين، سرنوشت ملت بعد را معين مي‌کند سرنوشت هر ملتي به دست خودش است. ما در زمان سابق، فرض بفرماييد که زمان اول قاجار به نبوديم، اگر فرض کنيم که سلطنت قاجار به واسطه يك فراندمي تحقق پيدا کرد و همه ملت هم ما فرض کنيم که راي مثبت دادند، اما راي مثبت دادند بر آقامحمدخان قجر و آن سلاطيني که بعدها مي‌آيند. در زماني که ما بوديم و زمان سلطنت احمدشاه بود، هيچ يك از ما زمان آقامحمدخان را ادراک نکرده، آن اجداد ما که راي دادند براي سلطنت قاجار به به چه حقي راي دادند که زمان ما احمد شاه سلطان باشد سرنوشت هر ملت دست خودش است. ملت در صد سال پيش از اين، صدوپنجاه سال پيش از اين، يك ملتي بوده، يك سرنوشتي داشته است و اختياري داشته ولي او اختيار ماها را نداشته است که يك سلطاني را بر ما مسلط کند. ما فرض مي‌کنيم که اين سلطنت پهلوي، اول که تاسيس شد به اختيار مردم بود و مجلس موسسان را هم به اختيار مردم تاسيس کردند و اين اسباب اين مي‌شود که - بر فرض اينکه اين امر باطل، صحيح باشد - فقط رضاخان سلطان باشد، آن هم بر آن اشخاصي که در آن زمان بودند و اما محمد رضا سلطان باشد بر اين جمعيتي که الان بيشر شان، بلکه الا بعض قليلي از آنها ادراک آن وقت را نکرده‌اند، چه حقي داشتند ملت در آن زمان، سرنوشت ما را در اين زمان معين کنند؛ بنابر اين سلطنت محمدرضا اولاً که چون سلطنت پدرش خلاف قانون بود و با زور و با سرنيزه تاسيس شده بود مجلس، غير قانوني است، پس سلطنت محمدرضا هم غير قانوني است و اگر چنانچه سلطنت رضاشاه فرض بکنيم که قانوني بوده، چه حقي آنها داشتند که براي ما سرنوشت معين کنند هر کسي سرنوشتش با خودش است، مگر پدرهاي ما ولي ما هستند؟ مگر آن اشخاصي که درصد سال پيش از اين، هشتاد سال پيش از اين بودند، مي‌توانند سرنوشت يك ملتي را که بعدها وجود پيدا کنند، آنها تعيين بکنند؟ اين هم يك دليل که سلطنت محمدرضا سلطنت قانوني نيست. علاوه بر اين، اين سلطنتي که در آن وقت درست کرده بودند و مجلس موسسان هم ما فرض کنيم که صحيح بوده است، اين ملتي که سرنوشت خودش با

خودش باید باشد، در این زمان می‌گوید که ما نمی‌خواهیم این سلطان را. وقتی که اینها رای دادند به اینکه ما سلطنت رضاشاه را، سلطنت محمدرضاشاه را، رژیم سلطنتی را نمی‌خواهیم، سرنوشت اینها با خودشان است. این هم یک راه است از برای اینکه سلطنت او باطل است.» با توجه به متن بالا سوال این است که اگر ملتی آمدند و امام خمینی را حاکم کردند بر سرنوشت خودشان این ملت چه حقی دارند که برای نسل‌های بعدی هم حاکم تعیین کند (منظورم آیت‌الله خامنه‌ای) است؟ به قول امام رای آن مردم و نسل شما برای شما قابل و محترم بود و برای ما نیست، اونوقت چه حرفی دارید؟ می‌گویید که خیر؟ باید با زور قبول کنید که حاکمتان آیت‌الله خامنه‌ای باشد؟ (خبرگان هم که از خودتان است و سیاست و طرز فکرشان همان تفکر انقلاب و نظام و رهبری است) اگر بگوئید که می‌توانید در رئیس‌جمهوری هر که را خواستید انتخاب کنید می‌گوییم خیر زیرا سیاست‌های نظام از اول انقلاب تاکنون همین بوده بنابراین با تغییر رئیس‌جمهور چیز خاصی عوض نمی‌شود. تئوری ولایت مطلقه فقیه (که اکثریت فقهای شیعه، مطلقه بودنش را قبول ندارند) در عمل شکست خورد یعنی در این چهل ساله خوب نشان داد که آخوند جماعت نمی‌تواند خوب مدیریت و کشورداری کند و بهتر است مقام شامخ روحانیت (که الان در نظر مردم تحقیر و توهین می‌شود و سبک شمرده می‌شود) راه علمای وارسته‌ی گذشته را در پیش گیرد و به جایگاه قبلی خودش بازگردد. علمایی هم چون آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و ...

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- همان‌طور که ملاحظه کرده‌اید ملت ایران به رهبری حضرت امام قیام کردند و گفتند ما آن طرحی که گذشتگان برایمان شکل دادند، نمی‌خواهیم و بیش از ۹۹ درصد به جمهوری اسلامی رأی دادند و مردم همواره در انتخابات با شرکت فعال خودشان نشان می‌دهند ادامه‌ی کار را در بستر همین نظام پذیرفته‌اند و گرنه مثل کاری که با نظام شاهنشاهی کردند انجام می‌دهند. به همین جهت مقام معظم رهبری «حفظه‌الله تعالی» در صحبت حکیمانه و سراسر بصیرت اخیرشان با مردم آذربایجان فرمودند یک‌سال دشمنان بیگانه از واقعیت جامعه تلاش می‌کنند که بگویند مردم اصل نظام را قبول ندارند ولی مردم با حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن، همه‌ی آن حرف‌ها را می‌شویند و از بین می‌برند ۲- برای تحقق یک تمدن و عبور از رسوبات فکری تمدن قبلی، سال‌های متمادی طول می‌کشد و از این جهت است که ما هنوز گرفتار ضعف‌های فکری و عادت‌ی نظام گذشته‌ی شاهنشاهی و غربی هستیم و این ربطی به روحانیت ندارد. موفق باشید